

مفهوم اصل دسترسی به دادگستری، ویژگی و جلوه‌های آن

بهنام حبیبی درگاه*

چکیده

اصل دسترسی به دادگستری و عدالت، مجموعه عوامل حقوقی و سازمانی سیستم عدالت مدنی در جهت ارائه خدمات قضایی قابل دسترس و مؤثر است. اصل دسترسی یکی از اصول راهبردی در نظریه عمومی دادرسی مدنی است که دارای بنیانی اخلاقی و رویکردی کاربردی است. از جمله ویژگی‌های اصل دسترسی به دادگستری و عدالت را باید عبارت از دسترسی آسان، دسترسی رایگان و دسترسی سریع دانست. دسترسی آسان به دنبال تخصیص منابع و امکانات قضایی، به اعتبار آمایش قضایی و مناسب سازی آیینی است. اصل دسترسی ارزان در پی واریسی نهادهای دادرسی همچون بیمه دادخواهی، معاضدت قضایی خصوصی و سیستم وکالت اجباری است. دسترسی سریع نیز به دنبال بهره‌گیری از امتیازهای سیستم فناوری اطلاعات و ارتباطات در جریان دادرسی مدنی است.

در نوشتار کنونی به دنبال مفهوم شناسی اصل دسترسی به دادگستری و عدالت، ویژگی‌های آن مورد ذکر و تبیین قرار خواهند گرفت. در انتها نیز جلوه‌هایی از اصل دسترسی آسان به سیستم قضایی تحت توجه قرار خواهند گرفت. لازم است تا اذعان گردد که ادبیات نوشتار مشحون از تحلیل اقتصادی دادرسی مدنی با

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

رویکرد تطبیقی و ترکیبی (هنجاری و اثباتی) خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: اصل دسترسی به دادگستری، اصل دسترسی به عدالت، دسترسی آسان، دسترسی رایگان، دسترسی سریع.

۱. مقدمه

نگرش اقتصادی به دادرسی موجب افزایش توقع از سیستم عدالت مدنی و جامع‌نگری در خدمات قضایی شده است. اهمیت دادن به وجوه اجتماعی دادرسی و توجه به نقش دادرسی در سلامت و تعالی سیستم اداری، برگرفته از مطالعات میان‌رشته‌ای و فرا رشته‌ای است. اصل دسترسی به دادگستری و عدالت نیز برآمده از نظریه‌پردازی‌های مکتب تحلیل اقتصادی دادرسی است که طی آن هم‌نفس دسترسی و هم کیفیت دسترسی دارای خصوصیت است. دسترسی به دادگستری و عدالت جلوه‌ای از دموکراسی آیینی است که طی آن بازیگران دادرسی و نهادهای قضایی، به‌عنوان بنگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات عمومی، در فضای توافقی، به عنوان بازار اختلافات، در مقام ایجاد تعادل بین امتیازهای مورد ادعا و تخصیص منابع قضایی می‌باشند.

اصل دسترسی به دادگستری و عدالت را می‌توان به اعتبار فرآیند دادرسی و نتیجه دادرسی تحلیل نمود. دسترسی عینی و اعتباری برآمده از تحلیل فرآیندی است. در دسترسی عینی نیز مفهوم سلبی و ایجابی، تومان، مدنظر است. مفهوم سلبی در دسترسی عینی مشعر است بر عدم ممانعت در دسترسی به دادگستری و عدم ممانعت در دسترسی به اطلاعات دادرسی. لکن برداشت ایجابی و مثبت از دسترسی عینی، اشاره به ایجاد بسترهای مناسب قانونی و ساختاری دارد. وجه مثبت دسترسی عینی را نسبت به بازیگران دادرسی باید در محدوده تساوی سلاح‌های دادرسی استنتاج کرد و در رابطه با سیستم عدالت نیز تخصیص امکانات و آمایش قضایی مطرح نظر است. دسترسی اعتباری به سیستم عدالت مدنی نیز به دنبال توسعه در دسترسی به خدمات متنوع قضایی از یک سو و دسترسی به خدمات قضایی جایگزین (ADR) از سوی دیگر است. دسترسی به اعتبار نتیجه دادرسی نیز متمرکز در جبران متناسب و عقلانیت افزایی نظام دادرسی است.

آثار اقتصادی دسترسی به دادگستری و عدالت را باید در درونی نمودن هزینه‌های دادرسی، طراحی الگوهای دادرسی به اعتبار نظریه انتخاب دادخواهی و نهایتاً رشد ناخالص ملی از طریق کنترل و هدایت صحیح اختلافات (بالقوه یا بالفعل) دانست. آثار حقوقی دسترسی به عدالت را نیز بایستی از نقطه‌نظر بازیگران دادرسی و مدیریت قضایی، جداگانه، در نظر گرفت. از زاویه دید بازیگران دادرسی موجب پذیرش رأی، ایجاد رضایت و اعتماد به حاکمیت قانون، رشد فرهنگ دادرسی و جز آن می‌شود. در عرصه مدیریت قضایی نیز نقش توزیع عقلایی پرونده‌های قضایی و نقش کنترل پرونده‌های مدنی در راستای بازتخصیص منابع قضایی، طراحی مهندسی فرهنگ دادرسی، ترغیب دادرسی‌های قراردادی و اموری از این دست، از آثار حقوقی توجه به اصل دسترسی است.

در نوشتار حاضر تلاش شده است تا مفهوم اصل دسترسی به دادگستری و عدالت بر پایه مطالعه تطبیقی و با نگرش تحلیل اقتصادی حقوق مورد شناسایی و معرفی قرار گیرد. به تعاقب تبیین مفهوم اصل برشمرد، اقدام به احصاء ویژگی‌های آن از جمله دسترسی آسان، ارزان و سریع شده است. ادامه نوشتار محدود به تشریح جلوه‌های اصل دسترسی آسان است. ملاحظه حقوق دادرسی مدنی کشورهای فرانسه و انگلستان در کنار بررسی مفاد اصول آیین دادرسی مدنی فراملی و مقایسه آن‌ها با حقوق دادرسی مدنی ایران، به‌ویژه، قانون برنامه پنجم توسعه و برخی از مقررات جدید، انتظار غنای بیشتر مباحث را فراهم نموده است.

۲. مفهوم و ویژگی‌های اصل دسترسی به دادگستری

در گفتار حاضر و به ترتیب اقدام به بررسی مفهوم و شمارش ویژگی‌های اصل دسترسی به دادگستری کارآمد خواهد شد.

۲.۱. مفهوم اصل دسترسی به دادگستری

اصل دسترسی به دادگاه^۱ یکی از شاخص‌های دادگستری کارآمد بوده و از معیارهای اجتماعی دادرسی محسوب می‌شود. اصل دسترسی به دادگستری عبارت

^۱ Access to Justice = Access to Court = Right to a Court

از مجموعه عوامل حقوقی و سازمانی سیستم عدالت مدنی در راستای ارائه خدمات قضایی^۲ قابل دسترس و مؤثر^۳ است (CEPEJ, 2011:10). در تبیین اصل اخیر گروهی از آن به برابری^۴ در دسترسی به تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دستگاه قضایی، به نحو معقول و متعارف؛ اشاره داشته‌اند (Einar, 2004:102). گروهی دیگر نیز مراد از اصل دسترسی به دادگاه و دادگستری را مستتر در رایگان بودن^۵ دانسته و از اصل دسترسی رایگان به دادگستری^۶ سخن رانده‌اند (Steiner, 2010:282). برخی از دکتین حقوق دادرسی مدنی نیز، به اعتبار نتیجه دادخواهی، اصل دسترسی به دادگستری را متضمن غایت عادلانه و دستیابی به جبران متناسب^۷ در برآیند دادرسی مدنی محاجه نموده‌اند (Klaming, 2008:2). رابرت رابینسون^۸ در اثر ارزشمند خود با عنوان نظریه دسترسی به عدالت (Rubinston, 2005:89)، اصل دسترسی را در زمره اصول راهبردی دادرسی می‌خواند. هم او در جای دیگری (Rubinston, 2005: 112)، اصل دسترسی به دادگستری را قلب تپنده عدالت آیینی^۹ احتجاج نموده و بر همین بنیان اقدام به احصاء اصول حاکم بر توزیع منابع حل اختلاف^{۱۰} از قبیل اصل عقلانیت^{۱۱} در توزیع امکانات و تجهیزات سیستم عدالت و اصل امکان جایگزینی^{۱۲} قلمداد کرده است. از سوی دیگر، لورا کلامینگ، در مقام تحلیل فنی و درونی دادگستری، بر آن است که اصل دسترسی به دادگستری دارای مفهومی کارکردی است. فلذا زمانی می‌توان به درک صحیح از اصل پیش‌گفته دست یافت که تمهیدات لازم برای کیفیت آیین دادرسی مدنی^{۱۳} اندیشه شده باشد (Klaming, 2008:13). وی سپس به شمارش عوامل مؤثر و سازنده کیفیت حقوق دادرسی مدنی پرداخته و از جمله

² The Availability of Judicial Services

³ The Effectiveness of Judicial Services

⁴ Equality Principle

⁵ The Reasonable Access Principle

⁶ Free

⁷ The Principle of Free Access to Justice

⁸ To Achieve Appropriate Redress

⁹ Robert Robinson

¹ Procedural Justice 0

¹ The Distribution of Resources of Dispute Resolution (RDR)

¹ Rationalization 2

¹ Alternatively Features 3

¹ The Quality of Procedure 4

آیین دادرسی عادلانه^۵ و آیین دادرسی قابل فهم^۶ را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌نماید.

کارگروه کیفیت دادگستری^۷ کمیسیون اروپایی کارآمدی دادگستری، دسترسی به دادگستری را مقدمه دسترسی به عدالت بیان نموده است (-Cepej,2007:790). همچنین اشاره شده است که توسعه کیفی دادگستری در گرو دسترسی به سیستم قضایی^۸ و دسترسی به اطلاعات دادرسی است. با تدبیر در برخی دیگر از پژوهش‌ها (Krishnan,2012:201) نیز مفهوم سلبی از اصل دسترسی به دادگستری استنباط می‌گردد. به موجب مفهوم سلبی، هر گاه جریان نظام دادرسی فارغ از تبعیض در فرصت‌های دادرسی بوده و هزینه‌های دادرسی را در کنار تأخیرهای آن کنترل نماید، در این حالت، نظام دادرسی مدنی را می‌توان نظامی در دسترس و کارآمد نامید (Krishnan,2012:201). پروفیسور رونالد براند در اثر جدید خود (Brand,2012:3) اصل دسترسی را اصل الاصول حقوق دادرسی مدنی^۹ می‌داند که اصول نوین دادرسی از قبیل اصل مشارکت، اصل قواعد دادرسی عادلانه و جز آن، بر پایه آن بنا نهاده شده و توجیه می‌شوند. یکی دیگر از دادرسی‌دانان اقتصادی با استمداد از نظریه قیمت در اقتصاد خرد و تشبیه نمودن اساس دادگستری به مبانی اقتصاد خرد، بر آن است که وقتی بین داده‌های حقوقی کارآمد و صحت ستاده‌های قضایی، نسبت تعادل ایجاد گردد؛ در این حالت است که دسترسی به سیستم عدالت مدنی تحقق می‌یابد (Barendrecht,2007:38)^{۱۰}.

با عنایت به تعاریف ارائه‌شده در خصوص اصل دسترسی به دادگستری و عدالت، می‌توان اصل برشمرده را در شمایل فنی (ساختاری) و ماهوی ملاحظه نمود. در رابطه با بعد فنی آن نیز باید به ترتیب، دسترسی عینی و اعتباری به

¹ Fair Procedures ⁵

¹ Simplification of Procedures ⁶

¹ The Working Group on Quality⁷of Justice = l'efficacité de la Justice

^{۱۰} شاید بتوان بند ۵ از اصل ۲ اصول آیین دادرسی فراملی را نمودی از اصل دسترسی به دادگستری دانست. وفق بند

یاد شده در صورتی که معلوم شود صلاحیت دادگاه دیگری مناسب‌تر از دادگاه رسیدگی کننده است، دادگاه اخیر

می‌تواند از رسیدگی امتناع و یا قرار توقیف دادرسی را صادر نماید.

¹ The Principle of Principles of Civil Procedural Law

² An Appropriate Balance between Efficiency of Inputs and Accuracy of Outputs

² Barendrecht, Maurits & Van ¹

Nispen, Patricia, "Microjustice", 2007, p.38, at: www.microjustice.org

دادگستری را مطمح نظر قرارداد. حال آنکه بعد ماهوی اصل مبحث عنه، دایر مدار گزاره‌های سلبی^{۲۲} و ایجابی است. این نکته نیز در لابه‌لای تعریف‌های ذکر شده، نهان است که رویکرد به اصل دسترسی به دادگستری، هم رویکردی تبیینی و هم رویکردی تجویزی است. در ذیل سه نوع ویژگی اصل دسترسی به دادگستری که عبارت از اصل دسترسی آسان، اصل دسترسی رایگان و اصل دسترسی سریع است، تبیین خواهند گردید.^{۲۳}

۳. ویژگی‌های اصل دسترسی به دادگستری

دسترسی آسان، ارزان و سریع به نظام دادرسی مدنی، موضوع بند کنونی است که در ادامه بدان‌ها نظر افکنده می‌شود.

۳.۱. اصل دسترسی آسان

دسترسی آسان به دادگستری را باید یکی از جلوه‌های دموکراسی آیینی^{۲۴} نام

^{۲۲} آندرو نیل در اثر گرانبهای خود اصل دسترسی به دادگستری را در ردیف اصول اخلاقی حقوق دادرسی مدنی دانسته و بند ۳ از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مبنای قانونی آن می‌داند. هم او اصل اخیر را در کنار اصولی همچون اصل سرعت و کارآمدی، اصل تکلیف به همکاری و اصل مدیریت کارآمد جریان دادرسی را جزء مبانی تقنینی اصول آیین دادرسی مدنی فراملی استدلال می‌نماید (ببینید: X.E, Kramer & C.H, Van Rhee, "Civil Litigation in a Globalising World", Springer Pub, 2011, pp. 19-39. لازم به ذکر است که کتاب اخیر در بر دارنده مجموعه مقالات برخی از دادرسی‌دانان مشهور بوده و مقاله نخست آن با عنوان اصول بنیادین آیین دادرسی مدنی (fundamental principles of procedural law)، نوشته استاد آندرو نیل است.

^{۲۳} نگارنده بر آن است که مفهوم سلبی (منفی) اصل دسترسی به دادگستری، افاده دو معنی سیستمی و فردی دارد. معنی سیستمی مفهوم سلبی را باید متوجه کنترل هزینه و زمان دادرسی دانست. حال آنکه معنی فردی یا خصوصی، برگرفته از عدم ممانعت در دسترسی اصحاب دعوای مدنی به اطلاعات مضبوط در پرونده مطروحه و یا سایر اطلاعات قانونی مربوط به جریان دادرسی مدنی است. جهت مطالعه مبسوط‌تر در خصوص معنی دوم - از نقطه نظر اطلاعات داده - رجوع شود به: اصلانی، حمیدرضا، «حقوق فناوری اطلاعات»، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳ به بعد. در خصوص عدم ممانعت در دسترسی به دادگاه باید به دعوای *Beverage International v In Zone Brands Inc* اشاره داشت. طبق مفاد دعوای مزبور، شرکت آمریکایی در آمریکا علیه شرکت فرانسوی طرف قرارداد، اقامه دعوا نموده و هم‌زمان نیز همین موضع‌گیری حقوقی توسط شرکت فرانسوی در کشور فرانسه رخ داده بود. دادگاه آمریکایی به استناد اصل دعوای مطروحه (The Principle of The Existence of a Claim) اقدام به صدور قرار منع طرح دعوا (anti - suit injunction) نموده بود. دیوان عالی کشور فرانسه (Cour De Cassation) نیز، در مقام احتجاج و با استناد به قاعده نظم عمومی (Ordre Public) و اصل بنیادین در دسترس بودن دادگستری، مستندا به ماده ۵۰۹ از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه و بند ۱ از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تصمیم دادگاه آمریکایی را نادیده گرفت. Ferrand, Frederique, "The French Approach to The Globalisation and Harmonisation of Civil Procedure" at: Kramer, X.E, op.cit, 2011, pp. 345-346

^{۲۴} به نظر می‌رسد که اصل دسترسی به دادگستری از زاویه روش دسترسی - به ویژه روش‌های مجازی - کمتر موضوع پژوهش واقع شده است. در حالیکه یکی از مزیت‌های دادگستری نوین - که بعضاً بدان دادگستری الکترونیکی یا مجازی نیز اطلاق می‌گردد - در بهنگام و بروز بودن روش‌های بکارگرفته شده توسط نظام‌های دادرسی مدنی است. تنها منبعی

برد. تسهیل در دسترسی مشعر بر در دسترس بودن خدمات حقوقی است (Gene, 2009:1)؛ بنابراین وقتی می‌توان از در دسترس بودن خدمات حقوقی (به معنای عام) و خدمات قضایی (به معنای خاص) سخن گفت که مقدمات ضروری آن رعایت شده باشد. از جمله مقدمات مرتبط با اصل تسهیل در دسترسی، عبارت از مشروعیت دسترسی،^۱ برابری دسترسی^۲ و کیفیت دسترسی^۳ است.

مشروعیت در دسترسی، در مقام تحلیل نظم درونی سیستم عدالت مدنی است. به مناسبت جایگاه مشروعیت دسترسی، اصولی از قبیل استقلال قضایی؛^۴ بی‌طرفی دادرس^۵ و اصل علنی بودن جریان رسیدگی^۶ در هسته مرکزی نهادهای تقنینی، قضایی و نظارتی قرار می‌گیرند (woolf, 1995:2). آندرو نیل، به سان لرد وولف، بر آن است که مشروعیت دسترسی به دادگستری، همچون حد انگیزش اولیه در روانشناسی است که تا تأمین نگردد؛ زمینه انگیزش‌های ثانویه ایجاد نخواهد شد (Neil, 1994:213). ایهام تناسبی اخیر بیانگر دادرسی دموکراتیک و غیر تبعیض‌آمیز است.

اصل برابری که بدان اصل برابری یا تساوی در سلاح‌ها^۷ و اصل برابری آیینی^۸ نیز می‌گویند، به دنبال ایجاد وضعیت و فرصت‌های برابر و متوازن در جریان دادرسی است؛ بنابراین اصل تساوی در سلاح‌ها را، تحقیقاً، بایستی یکی از اصول راهبری دادرسی‌های مدنی و کیفی قلمداد کرد. اصل مزبور دو رویکرد پیشگیرانه و اثباتی دارد. رویکرد پیشگیرانه در اصل برابری آیینی، دایر مدار تکلیف مقامات تقنینی و قضایی در راستای مناسب سازی آیین دادرسی مدنی و پرهیز از ابتکار عمل‌های ناگهانی^۹ است. حق داشتن وکیل دادگستری، حق اطلاع از مفاد

که به چالش‌های روش شناختی اصل دسترسی؛ آن هم با تأکید بر روش‌های محاسبه هزینه‌های دادرسی و نه صرفاً ابزارهای نوین حل اختلاف؛ نظر انداخته است را می‌توان اثر زیر دانست:
Gramatikov, Martin, "Methodological Challenges in Measuring Cost and Quality of Access to Justice", 2007, p. 2, at: <http://ssrn.com/abstract=1099392>

¹ Legality of Access to Justice

² Equality of Access to Justice

³ Quality of Access to Justice

⁴ Independence

⁵ Impartiality of Judges

⁶ Publicity

⁷ Equality of Arms

⁸ Procedural Equality

⁹ Judicial Duty To Avoid Surprise

پرونده، حق دفاع در مدت زمان معقول و حقوقی از این دست را باید در ذیل رویکرد اخیر جستجو نمود. لکن رویکرد اثباتی در اصل تساوی سلاح‌ها، بر می‌گردد به لزوم توازن فرصت‌های دادرسی بین اصحاب دعوا. بدین معنی که رابطه آیینی^۱ اصحاب دعوا موجب پیوند شکلی آن‌ها می‌شود. فلذا حق بر ابتکار عمل فردی^۲ و حق بر ابتکار عمل قراردادی باید در فضای مشحون از وجود فرصت‌های برابر اتفاق بیافتد.^۳

حق بر کیفیت دسترسی به دادگستری، افاده ذخیره زمانی و مالی در فرآیند دادرسی، از یک سو و قابل‌پذیرش بودن نتیجه دادرسی، از سوی دیگر، ارزیابی شده است (Gramatikov, 2007:23). بر همین بنیان کیفیت دادرسی را باید در دو حوزه کیفیت آیین دادرسی^۴ و کیفیت نتیجه دادرسی^۵ در نظر گرفت. پروفیسور مارتین، با تکیه بر تقسیم به عمل آمده، کیفیت آیینی را نمودی از عدالت ترمیمی^۶ استنتاج نموده و بر این اندیشه استوار است که لازمه تضمین کیفیت آیینی دادرسی، قائم بر دو اصل است. اصل حاکم بر دسترسی به اطلاعات دادرسی^۷ و اصل حاکم بر رعایت عدالت بین فردی اصحاب دعوا^۸ (Storm, 2008:357). هم او با تکیه بر عدالت توزیعی^۹؛ اساس نتیجه دادرسی را بنا نهاده و جایابی مشروع در معیت انتقال بهنگام موضوع اختلاف را مقتضای عدالت تصحیحی^{۱۰} و نهایتاً ارتقای سطح کیفی سیستم عدالت مدنی می‌داند (Gramatikov, 2007:11).

^۱ Le Rapport Processuel

^۲ The Right to Individual Application = Droit de Requete Individuelle

در حقوق شکلی کشور فرانسه ضرب‌المثلی در این زمینه مرسوم است. به موجب این ضرب‌المثل اصحاب دعوا مالک دعوا محسوب می‌شوند (Parties The Owners of The Lawsuit)؛ بنابراین شراکت مشاعی در اختلاف، نیازمند اتخاذ تدابیری است که طی آن رابطه آیینی برابر نیز به اصحاب دعوا اعطا گردد. مشابه همین ضرب‌المثل در کشور انگلستان است. مضمون ضرب‌المثل عبارت از آن است که اختلاف در دستان اصحاب دعوا و دادخواهی در دستان دادرس است (the dispute is in the hands of the parties. The litigation is in the hands or the judge).

^۳ Storm, M., "The Reception and Transmission of Civil Procedural Law in The Global Society", Apeldoorn/Antwerp, 2008, p.357

^۴ Quality of The Procedure

^۵ Quality of The Outcome

^۶ Restorative Justice

^۷ Informational Justice

^۸ Interpersonal Justice

^۹ Distributive Justice

^{۱۰} Corrective (Compensatory) Justice

بدیهی است که تسهیل در دسترسی به دادگستری منوط به برقراری تضمینات بنیادین دسترسی است. مطالعه گزارش‌های کمیسیون اروپایی کارآمدی دادگستری بیانگر آن است که دسترسی کارآمد^۱ و دسترسی معقول و متعارف^۲ از جمله تضمین‌های اصل تسهیل در دسترسی محسوب می‌شوند (Cepej, 2011: 21). پروفیسور لورا کلامینگ معتقد است که مبنای اصل تسهیل در دسترسی را علاوه بر کارآمدی، باید توسعه، شفافیت و امکان انتخاب در سیستم عدالت مدنی ارزیابی نمود (Klaming, op.cit: 34). رایبسون نیز تسهیل در دسترسی به دادگستری را متوجه ساختار سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دادگستری احتجاج نموده و سخن از توزیع امکانات و منابع سیستم عدالت مدنی به میان آورده است (Rubinston, op.cit: 112). به نظر می‌رسد که عناصر اصل تسهیل دسترسی به دادگستری را باید در سه زمینه معین، موضوع پژوهش قرار داد. تسهیل در دسترسی به سیستم عدالت مدنی، تسهیل در دسترسی به قواعد دادرسی مدنی و در آخر، تسهیل در دسترسی به اطلاعات دادرسی، از جمله عناصر راجع به اصل برشمرده هستند.^۳

۳.۱.۱. اصل دسترسی ارزان: سیستم عدالت مدنی به سان نظام بهداشت یا آموزش، جزء خدمات عمومی^۴ محسوب می‌شود؛ بنابراین ماهیت عمومی بودن سیستم حل اختلاف، انتظار یارانه – محور بودن دادگاه‌ها را به دنبال دارد. رایگان بودن دادرسی یا یارانه قضایی^۵ یکی از ارکان تحقق دسترسی به دادگستری و عدالت لحاظ شده

¹ Efficiency of Access to Justice

² Reasonable of Access to Justice

^۳ در برخی از منابع خارجی اصل دسترسی آسان به دادگستری را در قالب دموکراتیزه کردن دادگستری (Democratization of Justice) تبیین نموده و دو اصل قراردادگرایی (Contractualisation of Justice) و خصوصی‌سازی (Privatization of Justice) را نتیجه گرفته‌اند. در این خصوص ببینید: Jeffrey Selbin, JEANNE Charn, Anthony Alfieri & Stephen Winner, "Service Delivery, Resource allocation, and Access to Justice", The Yale Law Journal Online, Vol. 45, 2012, p. 48
برخی دیگر نیز لازمه تسهیل در دسترسی را تمسک به خط مشی‌های درون ساختاری – به عنوان توسعه در عمق دادگستری – از قبیل توسعه کارآمد در امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و خط مشی‌های برون ساختاری – به عنوان توسعه در عرض دادگستری – لحاظ کرده و با ابزارهای اقتصادی از قبیل الگوهای تخصیص منابع، به حل مسئله پرداخته‌اند. Hanycz, M. Colleen, "More Access to Less Justice: Efficiency, Proportionality and Costs in Canadian Civil Justice Reform", CIVIL Justice Quarterly, Vol. 27, 2008, p. 99

Public Service

فصل یازدهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اصل ۱۵۶ لغایت اصل ۱۷۴ به تبیین وظایف و حدود اختیارات قوه قضائیه پرداخته است. در اصل ۱۵۹ مقرر شده است که مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. اصل ۱۵۶ نیز به دنبال توشیح نقش‌های نهاد قضایی بوده و به اموری همچون پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی، تحقق

است (Steiner, op.cit:277). در فرانسه و از سال ۲۰۰۰ به بعد کمیسیون موسوم به کمیسیون دسترسی به حقوق دادرسی و دادگستری^۱ تشکیل شده است. در مقدمه یکی از گزارش‌های کمیسیون اخیر اشاره شده است که کارآمدی و شفافیت نظام قضایی در گرو بهبود سیاست‌های قضایی^۲ است. بهبود سیاست‌های قضایی نیز انعکاسی از خط مشی‌های راجع به دسترسی به قواعد دادرسی^۳ و سایر الگوهای حل اختلاف^۴ است.

در بعضی از پژوهش‌های به عمل آمده، علل فرآیند هزینه‌بر و گران در نهاد قضایی شمارش شده و مهمترین عنصر تعیین‌کننده را هزینه‌های فرهنگی دادخواهی^۵ دانسته‌اند (Furedi, 2008:3). در همین پژوهش‌ها تلاش شده است تا بر بنیان اصل دسترسی رایگان به دادگستری^۶ راهکارهایی را در راستای کنترل هزینه‌های دادرسی اتخاذ نمایند. به همین منظور سیستم معاضدت قضایی^۷ به عنوان راه حلی مؤثر و کارآمد معرفی شده است.^۸ ماده ۲-۱۱۱ L از قواعد سازمان قضایی فرانسه^۹ به اصل رایگان بودن خدمات قضایی^{۱۰} اشاره نموده است. پیرو این ماده، اداره معاضدت قضایی^{۱۱} در مرکز قضایی هر استان^{۱۲} مستقر شده است. در برخی از پژوهش‌ها نیز، به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم در دستیابی به دادگستری رایگان اشاره رفته است (Barenrecht, 2008:250-271). شیوه‌های غیرمستقیم را

بخشیدن به عدالت و جز آن اشاره داشته است. لهذا با استناد به اصول برشمرده، روشن است که سیستم عدالت مدنی ایران در زمره خدمات عمومی و اجتماعی بوده و تحت تولیت دولت است.
رابرت بون در مقاله خود با عنوان نظریه آیینی، بر آن است که نتیجه دادرسی عبارت از صرف منافع عمومی برای به دست آوردن منافع خصوصی است. (own private interest at the expense of the public interest).
Bon, G Robert, "Making Effective Rules: The Need for Procedure Theory", Oklahoma Law Review, Vol. 61, p. 320

^۱ commission de réforme de l'accès au droit et à la justice

^۲ **Rapport de la commission de réforme de l'accès au droit et à la justice**, at: <http://www.lawdocumentationfrancaise.fr/var/storage/rapports.pdf>, pp 1-153

^۳ L'Acces Au Droit

^۴ Les modes alternatifs de règlement des conflits

^۵ The costs of litigation culture

^۶ The Principle of Free Access to Justice

^۷ System of Legal Aid = l'aide juridictionnelle

^۸ لازم به ذکر است که کمیسیون اصلاح حقوق دادرسی و دادگستری فرانسه، سه موضوع را در محور اصلاح قرار داده است. ۱- اصلاح ساختار دادگاه‌ها ۲- بهبود معاضدت قضایی و ۳- توسعه شیوه‌های جایگزین حل اختلاف (ibid, p. 8).

^۹ Code de l'organisation judiciaire (COJ)

^۱ La Principe Grattuite

^۱ Accueil du Bureau de l'Aide Juridictionnelle (BAJ)

^۱ Tribunal de Grande Instance

عبارت از طراحی الگوهای دادرسی^۱ و مهندسی فرهنگ دادرسی دانسته‌اند (Brenrecht, 2008: 267). شیوه‌های مستقیم نیز دایر مدار سیستم یارانه قضایی و سیستم معاضدت قضایی^۲ معرفی شده است (Barenrecht, 2008: 267).

بدیهی است که شیوه‌های غیرمستقیم، دو نقش اصلی را بر عهده دارند (Krishnan, op.cit: 790): نقش توزیع عقلانی پرونده‌های مدنی^۳ و نقش کنترل تراکم پرونده‌های مدنی^۴. در رابطه با نقش توزیع عقلایی پرونده‌ها، اقدام به طبقه‌بندی دعاوی مدنی^۵ به اعتبار وزن و ماهیت آن‌ها گردیده و به تناسب آن، به حل اختلافات رسیدگی می‌گردد. نقش دوم شیوه‌های غیرمستقیم نیز به دنبال ساماندهی تراکم پرونده‌های مدنی است؛ بنابراین راه حلی که جهت کنترل حجم دعاوی مدنی و تنظیم هوشمندانه فراوانی دعاوی پیش‌بینی شده است را باید در دو مقطع زمانی و به اعتبار کنترل پیشینی و پسینی، سامان داد. ابزار کنترل پیشینی دعاوی را در حقوق تطبیقی، اصل ابتکار استماع اختصاری^۶ نام گذاری کرده‌اند. به عنوان مثال در بخش ۲۶ از قانون آیین دادرسی مدنی انگلستان (مصوب ۱۹۹۸) و

^۱ بخشی از طراحی الگوهای دادرسی، فارغ از الگوی دادرسی خصوصی، عرض دادن به سیستم دادرسی عمومی است. *قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷* را در ایران می‌توان مصداق بارز گسترش دادرسی عمومی به منظور بهبود در توزیع فراوانی دعاوی نام برد. به چنین سیاست‌های قضایی، بعضاً، دادگاه‌های مردمی (people's court) یا شبه قضایی نیز اطلاق می‌گردد. لازم به ذکر است که مفاد مادتهای ۷ و ۱۰ از قانون مزبور مؤید نوعی برون‌سپاری - اگرچه ناقص - قضایی و قراردادی نمودن فرآیند حل اختلافات بین افراد جامعه است.

^۲ پیرو اصل رایگان بودن دادگستری در فرانسه، اداره معاضدت قضایی از شهروندانی که ماهیانه کمتر از ۹۱۱ یورو درآمد داشته باشند، به طور کامل (Full Legal Aid) حمایت می‌کند. لکن شهروندانی که ماهیانه کمتر از ۱۳۶۷ یورو درآمد داشته باشند، به طور ناقص (Partial Legal Aid) تحت خدمات اداره مزبور قرار می‌گیرند. جالب اینکه اداره مبحث عنه از دعاوی واهی و بدون بنیان (Fivolous Actions) حمایت نمی‌کند و در صورتی که این‌گونه دعاوی بعداً کشف گردند، هزینه‌های وکلای دادگستری (Lawyers' Fees) و هزینه‌های دادگستری (Court Legal Costs) بر عهده خواهان با سوءنیت است. ببینید: Steiner, Eva, op.cit, p. 285.

^۳ Distributive Role

^۴ Control of Case Workload

^۵ طبقه‌بندی دعاوی مدنی را باید از نتایج ورود ادبیات اقتصاد در حقوق دادرسی به شمار آورد. اصولاً طبقه‌بندی دعاوی مدنی با معیار ارزش دعاوی ترتیب بندی می‌شود. نگارنده بر آن است که می‌توان ارزش دعاوی را به لحاظ حساس‌گیری آن، به ارزش پیشینی دعوا و ارزش پسینی دعوا (= بعد از صدور حکم) تقسیم نمود؛ اما منظور از طبقه‌بندی دعاوی مشعر بر ارزش دعاوی مدنی به لحاظ خواسته خواهان است. شاهد مثال از این جهت را می‌توان آیین دادرسی مدنی انگلستان (۱۹۹۸) در نظر گرفت که طی آن خواسته دعوا، اهمیت آن و سایر اوضاع و احوال پرونده، مؤثر در توزیع دعاوی هستند. رجوع شود به قسمت c از بند ۲ ماده ۱-۱ و همچنین قسمت h از بند ۲ ماده ۴-۱. در بند اخیر از اصطلاح اندازه دعوا (the size of the claim) استفاده شده است که افاده ارزش دعوا را دارد.

^۶ به عنوان مثال در ماده ۱۱ از *قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷* اشاره شده است که دعاوی تا بیست میلیون ریال در روستا و دعاوی تا پنجاه میلیون ریال در شهرها یا دعاوی متوجه تخلیه عین مستاجر، جزء صلاحیت شوراهای مذکور است (بند ۱ و ۲).

^۷ Summary Decisions

به ترتیب، طی مواد ۱-۵ و ۲-۵، به اصل اخیر اشاره و کارکرد آن تبیین گردیده است.^۱ در حقوق فرانسه نیز قاضی آماده‌ساز پرونده^۲ نقش مراقبت و نظارت بر جریان صحیح دعوای مدنی را بر عهده دارد.^۳ وفق مواد ۷۶۳ لغایت ۷۸۱ از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، قاضی آماده‌ساز پرونده، نقشی سلبی در جلوگیری از طرح پرونده‌های واهی، غیرموجه و یا بی‌بنیان را ایفا نموده و از سوی دیگر، نقشی مثبت و ایجابی در مسیر مراقبت و هدایت صحیح پرونده را بر عهده دارد.^۴ کنترل پسینی پرونده نیز از یک سو به دنبال توزیع پرونده‌های ورودی، به تناسب تخصص و تراکم، است. از سوی دیگر، رویکردی محتوایی به پرونده‌ها داشته و وفق طبقه‌بندی دعاوی بر مبنای اهمیت و ارزششان، آیین دادرسی مناسب آن، پیش‌بینی می‌شود.

نگارنده بر آن است که دستیابی به دادگستری رایگان و یا ارزان، نیازمند توسعه خدمات حقوقی، تنوع‌بخشی به خدمات حقوقی، کنترل زمان دادرسی و نهایتاً بهبود در فرهنگ دادرسی است. تحقق اهداف اخیر، خود، نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان است. پیش‌بینی بیمه دادرسی، تدبیر در جهت اجباری نمودن خدمات قضایی و توسعه موسسه‌های خصوصی دارای خدمات حقوقی را باید در ذیل خط‌مشی‌های کلان قضایی، جاسازی نمود. البته این حقیقت نیز باقی است که باید تسهیلات قضایی را - من جمله نهاد معافیت و معاضدت قضایی - به

^۱ نهاد استماع پیش از محاکمه (pre-trial hearing)، نهادی است که در مقام کنترل پیشینی دعوای مدنی است. نهاد پیش‌گفته نیز به دو منظور طراحی شده است. اول) جهت بازنگری مفاد پرونده (pre-hearing review) و دوم) برگزاری مذاکره راجع به مدیریت پرونده ((CMC - the case management conference). آقای آندرو نیل در کتاب خود اقدام به شمارش ویژگی‌های نهاد مزبور، به عنوان نهاد آماده‌ساز پرونده، نموده است. ببینید: Andrews, Neil, op.cit, pp. 15, 16

^۲ Le juge de la mise en état (le JME)

^۳ veiller au déroulement loyal du procès civil (litige entre particuliers). Il est désigné pour surveiller l'instruction d'un procès civil complexe.

^۴ در این زمینه و در حقوق ایران می‌توان نقش معاون ارجاع را - تا اندازه‌ای - مشابه نقش قاضی آماده‌ساز پرونده قلمداد کرد. البته باید اذعان نمود که ماده ۱۵ از لایحه تشکیلات قضایی دیوان عالی کشور و دادگستری، مشعر بر اختصاص شعبه‌ای موسوم به شعبه واحد بررسی است. نقش این شعبه می‌تواند هم راستا با مفاهیم مشابه آن، در حقوق خارجی، باشد. به موجب ماده ۱۵ «تمام دادخواست‌های مربوط به رسیدگی نخستین باید به یکی از شعب واحد بررسی ارجاع شود تا دادخواست بدو تکمیل و نواقص احتمالی برطرف گردیده و سپس قاضی این واحد با تهیه گزارش تکمیل بودن پرونده آن را به مقام ارجاع کننده دادخواست به شعب ارسال کند. واحد بررسی می‌تواند از ادارات و سازمان‌ها استعلام کند و یا اینکه پرونده‌های قضایی مرتبط و مورد استناد را مطالبه نماید». همچنین با عنایت به آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی (مصوب ۱۳۹۱/۰۳/۲۲) - به‌ویژه مواد ۴ و ۶ از آن -، دفاتر خدمات قضایی یا درگاه خدمات قضایی، مکلف به بررسی شکلی مستندات ضروری پرونده‌ها هستند.

عنوان خط مشی‌های خرد، به موازات خط مشی‌های کلان، مدنظر قرار داد. در عین حال اعتقاد بر آن است که نباید به بهانه ارفاق قضایی و عمومی بودن خدمات آن، موجبات سوءاستفاده‌های آیینی^۱ شکل گیرد. به همین خاطر است که تلاش می‌گردد تا تضمین‌های آیینی مناسب در کنار ضمانت اجرای مؤثر مورد پیش‌بینی قرار بگیرد.

۳.۱.۲. اصل دسترسی سریع: یکی دیگر از جلوه‌های دادگستری نوین و کارآمد، عبارت از دستیابی به دادرسی سریع^۲ است. دادرسی سریع نیز متضمن مجموعه تضمین‌های تقنینی و اجرایی به منظور کنترل زمان دادرسی از طریق انتخاب نوع نظام دادرسی و به‌ویژه، روش‌های جریان دادرسی، تعریف شده است (Neil, op. cit:46&Rhee, 2007:213). اصل دسترسی سریع که در زمره اصول راهبردی حاکم بر عدالت آیینی تلقی می‌گردد، در مقام سرعت دادن به گام‌های عدالت بوده و در بر دارنده اصل استاندارسازی زمان دادرسی بر پایه رهیافت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات^۳ است.^۴

^۱ همان‌گونه قبلاً نیز اشاره گردید، اصل حسن نیت در دادرسی، در زمره اصول بنیادین و راهبر به حساب می‌آید؛ بنابراین تخلف از آن نیازمند پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر و مفید است. از جمله نمونه‌های راجع به ضمانت اجرای ناشی از سوءاستفاده‌های آیینی را در حقوق دادرسی انگلستان می‌توان جریمه‌های مالی (costs order)، توقف دادرسی (stay of the proceeding) و یا تعلیق همه یا بخشی از ادعاها یا دفاعیات (striking out) دانست که به ترتیب طی مواد ۳(۲) f، ۳(۲) c و ۳(۲) c-۴ در قانون آیین دادرسی مدنی انگلستان (مصوب ۱۹۹۸) منعکس شده است. ماده ۲۴ از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (۱۹۷۵) نیز مقرر می‌دارد که "اصحاب دعوا مکلف‌اند تا احترام نهاد قضایی را رعایت نمایند. دادرسی می‌تواند، در جهت تضمین تمثیت دادرسی و توجه به میزان تقصیر، اقدام به صدور دستورهای مقتضی نموده و یا - ترتیبات دیگری از جمله - امتناع از توجه به مستندات، تلقی توهین‌آمیز بودن مستندات، دستور انتشار و یا الصاق آرای صادره را بدهد". همچنین است مفاد ماده ۱-۳۲ (اصلاحی سال ۲۰۰۵) که طی آن دادرسی می‌تواند شخصی را که با سوءنیت و یا شخصی را که دارای رفتارهای متضمن تأخیر در فرآیند رسیدگی است، به حداکثر ۳۰۰۰ یورو، علاوه بر ضرر و زیان‌های قانونی، محکوم نماید. همین رویکرد در اصل ۱۱، بند ۳ اصل ۲۴ و نهایتاً در اصل ۲۵ از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی - به طور مبسوط و کامل - مورد توجه قرار گرفته است. در حقوق ایران نیز می‌توان به رگه‌هایی از پیش‌بینی ضمانت اجرای ناشی از عدول از اصل حسن نیت در دادرسی اشاره داشت. تبصره ماده ۱۰۹ از قانون آیین تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمانت طرح دعوی غیرموجه (ایذائی یا واهی) را محکومیت به سه برابر هزینه دادرسی در حق دولت می‌داند. همچنین است مفاد ماده ۱۰۳ در رابطه با رسیدگی توأمان، مفاد ماده ۱۰۱ در مواجهه با سوء رفتارهای آیینی مخل مدیریت جلسه رسیدگی و اموری از این دست.

^۲ Access to Accelerate Justice

^۳ Information and Communication Technology (ICT)

^۴ دادرسی سریع را باید از دادرسی نوری تمیز داد. در دادرسی نوری، بنا به ملاحظه شرایطی، عنصر فوریت بر عنصر دقت در دادرسی، تفوق دارد. به عنوان مثال نهاد دستور موقت یا نهاد تأمین خواسته در آیین دادرسی مدنی (موضوع مواد ۳۱۰ و ۱۰۸) بر بنیان مفهوم اخیر از دادرسی استوارند. در صورتی که منظور از اصل دسترسی سریع به دادگستری، مفهوم کمی (= حداقل سرعت) توأم با مفهوم کیفی از دادرسی (= حداکثر دقت) را در نظر دارد. نقش تحلیل‌های

مکتب حقوق دادرسی کارکردگرا، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات را، منشعب از سیاست‌گذاری اقتصاد، جهت رونق کارکردهای نوین نهادهای قضایی قلمداد کرده و کارآمد سازی دادگستری را نتیجه آن می‌داند (Guy,2000:221). همین مکتب عوامل تضمین سرعت در دادرسی را کنترل قضایی بر جریان دادرسی^۱ متناسب‌سازی عمل قضایی با زمان آن^۲ و جلوگیری از تأخیر ناروا^۳ شمارش نموده است (Neil,op.cit:28). برخی از دادرسی‌دانان^۴ نیز، با تأثیرپذیری از نظریه تکثرگرایی آیینی، بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات را دارای اهمیتی شایان در فرآیند بهبود مدیریت دادگستری^۵ ارزیابی کرده و ابزار برشمرده را عاملی در گشایش فرصت‌های جدید^۶ می‌داند (Loveday,2000:23). برخی دیگر (Fabri,2003:2). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات را شاخصی پویا در اندازه‌گیری کیفیت دادرسی استدلال نموده و افزایش مشروعیت دادرسی را به همراه کفایت پذیری خدمات قضایی^۷ نتیجه گرفته‌اند. گروهی نیز با در نظر گرفتن کارکردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، اقدام به احصاء آنها نموده و کارکردهایی همچون دسترسی به خدمات قضایی الکترونیکی، امکان دادرسی برخط، استفاده از بایگانی الکترونیکی، تبادل الکترونیکی اسناد دادرسی و ... را در کنار کارکردهای کلان فناوری یاد شده، نام برده‌اند (Velicogna,2007:129).

اقتصادی دریافت نقطه تعادل (Equivalium Point) بین دو مفهوم برشمرده است. پر واضح است که دادرسی با تأخیر، به همان اندازه دادرسی بی‌دقت، موجب فرو کاستن کیفیت دادرسی و دادگستری می‌گردد. شاهد مثال موضع‌گیری اخیر را بایستی اصل ۷ از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی و بند ۳ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی جستجو کرد.

¹ Judicial Control of The Civil Process

² Proportionality

³ Avoidance of Undue Delay

بانک جهانی در گزارش سالانه خود از محیط کسب و کار کشورها، اعلام نموده است که زمان مصرف شده نسبت به هر دعوا در کشور ایران بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰، ۵۲۰ روز بوده است که این زمان طی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ۵۰۵ روز، کاهش یافته است. (برگرفته از ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری با عنوان حقوق، به شماره ۱۶۷، ۱۳۹۱/۸/۹، ص ۱۴). همین گزارش نشان دهنده نقش رایانه در مهار دادرسی مطول و جریان سازی عنصر پویایی در دادرسی‌های مدنی و کیفری است. لازم به یادآوری است که یکی از معیارهای سنجش تساد اداری نیز، از نقطه نظر سازمان آبودزمان، میزان تراکم پرونده‌های قضایی مطروحه در دادگستری هر کشور است.

⁴ Proceduralists

⁵ Improve The Administration of Justice

⁶ New Opportunities

⁷ Helping The Judiciaryaries to Provide *Adequate Service*

عده‌ای نیز با طرح نظریه دادگستری باز، عدالت الکترونیکی^۲ را حاصل فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌دانند که هم‌شکل دادرسی^۳ و هم ابزارهای دادرسی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.^۴

در حقوق ایران و در سند راهبرد و اهداف برنامه پنج‌ساله قوه قضائیه (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)، توسعه عدالت الکترونیک و توسعه خدمات الکترونیک مورد توجه قرار گرفته است.^۵ بندی از سند اخیرالتوصیف مقرر می‌دارد که به منظور توسعه عدالت الکترونیک، اهداف زیر باید در سند چشم‌انداز قضایی مورد توجه قرار گیرد:

(۱) هوشمندسازی و کارآمدسازی نظام قضایی مبتنی بر به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات

(۲) توسعه آمادگی سازمانی در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین کاربردی

(۳) توسعه خدمات الکترونیک

(۴) توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات

در همین سند و در بند ق از آن به ارتقای سطح امنیت شبکه‌های الکترونیکی و بانک‌های اطلاعاتی نیز اشاره شده است. بند ح از ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه نیز مشعر بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت دستیابی به

^۱ Open Justice Theory

^۲ E-Justice

امروزه سخن از دنیای ای‌ها (E) است. فلذا طبیعی است که آیین دادرسی نیز دچار تحول اساسی گردد. رسیدگی مجازی باعث حذف رسیدگی کاغذی شده است. حتی گام از این فراتر رفته و برگزاری جلسه دادرسی نیز، بعضاً، رویکردی الکترونیکی و برخط به خود گرفته است.

^۳ نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات ممکن است مؤثر در شکل دادرسی نیز باشد که بدان دادرسی مجازی (برخط) (Online Dispute Resolution) نیز گویند. این نوع دادرسی بر مبنای روش دادرسی، آن را به دادرسی سنتی (کاغذی) و دادرسی مجازی (نوین/برخط) یا دادرسی رایانه‌ای تقسیم می‌نماید.

^۴ Schultz, Thomas, "Theoretical Considerations About The Future of ODR", 2003, p.3, at: <http://www.online-adr.org>

^۵ قبل از سند فوق‌الذکر، دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۳ به تصویب ریاست محترم وقت قوه قضائیه رسید. این دستورالعمل که در راستای اجرایی نمودن بند الف ماده ۱۳۱ قانون برنامه پنجم توسعه تنظیم و ابلاغ شده بود، دارای اهدافی از جمله ۱- افزایش سرعت، دقت، صحت و شفافیت فرآیند دادرسی ۲- ایجاد بانک اطلاعات پرونده‌های قضایی ۳- ایجاد شناسنامه قضایی افراد ۴- کاستن از مراسله‌ها و مکاتبات کاغذی ۵- صرفه‌جویی در هزینه‌ها و ... بود.

سرعت و کارآمدی در ارائه خدمات حقوقی است.^۱ در راستای توجه به مقرره‌های اخیر و پیرو سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی^۲ آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی (مصوب ۱۳۹۱/۰۳/۲۲) به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسید. طی مفاد آیین‌نامه مزبور، دفاتر خدمات قضایی و درگاه خدمات قضایی به منظور رفع اطلاع دادرسی و تسریع در دادرسی ایجاد گردید.^۳

در حقوق تطبیقی نیز باید به قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه اشاره داشت. در باب بیست و یکم از دفتر نخست کد آیین دادرسی مدنی فرانسه، با عنوان تبادل اطلاعات الکترونیکی و طی بندهای ۸ گانه ماده ۷۴۸، تلاش شده است تا از امتیازهای فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده گردد. تصویب‌نامه شماره ۳۶۶ (مصوب سال ۲۰۱۲) در راستای عطف توجه به مواد ۶۵۱ لغایت ۶۹۴، ابلاغ الکترونیکی را، موازی با ابلاغ‌های کاغذی، در حوزه قضایی فرانسه و ابلاغ‌های

^۱ بندک از ماده ۲۱۱ نیز قوه قضائیه را مکلف می‌کند تا اقدام به طراحی سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی نماید. البته تکلیف بر بایگانی الکترونیکی پرونده‌های قضایی (بند ۳ از قسمت ح ماده ۲۱۱)، لزوم نشر آراء قضایی به صورت برخط (بند ۴ از قسمت د ماده ۲۱۱)، لزوم ثبت الکترونیکی اسناد از طریق حدنگاری رقومی (تبصره بند ۲ از قسمت ح ماده ۲۱۱) و تکالیف متعدد دیگر، در راستای نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دستگاه قضایی‌اند.

^۲ در سیاست‌های کلی قضایی ابلاغ شده توسط مقام رهبری (۱۳۸۸/۹/۱) و مشخصاً در بند ۱ به اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت اشاره شده است. همچنین در سیاست‌های کلی نظام اداری (۱۳۸۹/۰۱/۳۱) و طی بندهای ۲۶ گانه به توسعه نظام اداری و مدیریت بهینه خدمات عمومی اشاره رفته است. به عنوان مثال می‌توان از بندهای ۱۰ لغایت ۱۵ و همچنین بندهای ۱۷، ۱۸ و ۲۵ یاد کرد که طی آن‌ها چابک سازی و متناسب‌سازی تشکیلات اداری، منطقی نمودن و انعطاف‌پذیری، توسعه نظام اداری الکترونیک، شفاف‌سازی و آگاهی بخشی از طرفی همچون دسترسی آسان و ضابطه‌مند به اطلاعات صحیح، یکپارچه‌سازی اطلاعات و روزآمد نمودن آن و... جملگی در جهت مدیریت کارآمد خدمات عمومی و اجتماعی هستند.

^۳ درگاه خدمات الکترونیک قضایی، گامی در توسعه دولت الکترونیک است. سیاست‌های این چنینی دارای بنیانی به گستره فلسفه اقتصاد حقوق است. کاهش مراجعات مردمی، تسهیل دسترسی مردم به خدمات قضایی، افزایش ضریب اطلاع‌رسانی، جلوگیری از انحراف‌های اداری و مهم‌تر از همه، تغییر فرهنگ دادرسی را باید نتیجه سیاست‌های یاد شده دانست. درگاه خدمات الکترونیک قضایی در ایران و توسط مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه راه‌اندازی شده است. این درگاه اقدام به ثبت الکترونیکی دادخواست‌های ورودی، پی‌ریزی سامانه پیام کوتاه، پیش‌بینی کد رهگیری پرونده‌ها، روزآمد نمودن جریان پرونده‌ها و اموری از این دست را در برنامه خود دارد. مراجعه گردد به درگاه: <http://petition.adiran.ir>. نگارنده بر آن است که فهم محتوایی از خط مشی‌های برشمرده، مقتضای سایر سیاست‌های اقتصاد حقوق را ایجاد می‌نماید. پیرو چنین خط‌مشی‌هایی می‌توان از نقش دادگستری کارآمد در کارآفرینی و اشتغال‌زایی نیز سخن به میان آورد. جالب است که به‌تازگی، طرح تأسیس دفاتر پیشخوان قضایی در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، تحت شور است که به موجب ماده ۲ از این طرح، دفاتر دادرسی خصوصی ایجاد خواهد شد. (طرح تأسیس دفاتر پیشخوان قضایی به شماره ۲۸۶ و شماره ثبت ۱۷۱ به تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۱۶ در قالب طرح یک شوری به کمیسیون مارالذکر ارجاع شده است).

بین‌المللی اوراق قضایی، مورد شناسایی و تقنین قرار داده است! ماده ۷۴۸ - ۱ مقرر می‌دارد که تمامی ابلاغ‌ها، آگهی‌ها، گزارش‌ها و صورت‌مجلس‌های دادرسی را می‌توان از طریق الکترونیکی ارسال، دریافت یا مبادله نمود. مفاد ماده مشعر بر آن است که شیوه انتقال و مبادله الکترونیکی نباید مخل با حقوق مکتسبه اصحاب دعوا باشد. از سوی دیگر مفاد ماده ۷۸۸ - ۲ حاوی اصلی است که به موجب آن، شرط تبادل الکترونیکی اوراق قضایی، منوط به رضایت اصحاب دعوا است. بر همین مبنا می‌توان دو اصل را از بطن مواد فوق‌الذکر استخراج نمود. اصل توافقی بودن و اصل حق بر نسخه کاغذی جریان دادرسی. مقرر مشابه با حقوق دادرسی فرانسه را می‌توان در آیین دادرسی مدنی فراملی به دست آورد. به موجب بند ۷ از اصل ۵ اصول آیین دادرسی مدنی، «طرفین می‌توانند به استناد اجازه دادگاه یا قرارداد منعقدشده، از شیوه ارتباطی سریع نظیر بهره‌گیری از ابزارهای از راه دور متمتع گردند».

به‌طور کلی آنچه به موازات امتیازهای فناوری ارتباطات و اطلاعات مطرح می‌شود، مقوله مربوط به چالش‌های استفاده از این‌گونه فناوری‌ها است. چالش‌هایی نظیر برقراری امنیت شبکه و تأمین اطمینان و اعتماد بازیگران دادرسی باعث شده است تا اولاً از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان شیوه‌ای مکمل - و نه جایگزین - استمتاع شود و ثانیاً از آن به‌طور تدریجی و به تناسب آمادگی الکترونیکی مردم و توسعه دولت الکترونیکی استفاده گردد.

در مجموع، مبنای الکترونیکی نمودن دادگستری و دادرسی را باید در اصل دموکراتیزه نمودن دادرسی و اصل عقلانیت حداکثری دنبال کرد. اصول یاد شده تأمین‌کننده کارآمدی سیستم عدالت مدنی به حساب می‌آیند.

۴. جلوه‌های اصل دسترسی آسان

۴.۱. دسترسی عینی به سیستم عدالت

غرض از دسترسی عینی به سیستم عدالت مدنی، توجه شایان به تخصیص امکانات و منابع سیستم عدالت در جغرافیای قضایی است. اثر آمایش قضایی ایجاد

¹ la communication par voie électronique

² [décret n° 2012-366.15](#) Mars 2012

نظام توزیع متعادل امکانات، هماهنگ‌سازی اندام‌وار سیستم عدالت و مهندسی ترتیبات بهره‌وری بهینه از آن است (Pierre, 2002: 448). آمایش قضایی شقی از آمایش سرزمینی است که در حوزه برنامه‌ریزی به مهندسی و چیدمان با نظم و ترتیب دو عنصر جمعیت و فعالیت با محوریت موقعیت مکانی پرداخته و هدف آن حداکثر نمودن بهره‌وری از فضای جغرافیای فعالیت مورد نظر است (توفیقی، ۱۳۸۴: ۳۲). از جمله خصوصیات آمایش سرزمینی را جامع‌نگری، دوراندیشی، کل‌گرایی، کیفیت‌گرایی و سازمان‌دهی فضای مکانی شمارش نموده‌اند.^۱ باید اشاره داشت که به دلیل بروز نابرابری‌های سرزمینی و به تبع آن بروز عدم تعادل در تخصیص امکانات و منابع مکانی، ادبیات آمایش سرزمینی مورد طرح و توجه قرار گرفت.^۲ مواد ۷۰ لغایت ۸۲ قانون برنامه پنج‌ساله سوم، فصل ۶ از قانون برنامه پنج‌ساله چهارم و فصل ۶ از قانون برنامه پنج‌ساله پنجم (مواد ۱۷۸ الی ۱۹۴) با موضوع توسعه منطقه‌ای، به نظام برنامه‌ریزی در راستای آمایش منطقه‌ای پرداخته‌اند.^۳

مراد از آمایش قضایی، تخصیص صحیح منابع سیستم عدالت در راستای کارآمدی ساختار قضایی از طریق نظام توزیع صلاحیت‌ها، توسعه نظام‌وار فضاهای فیزیکی و جز آن با تکیه بر اصل دسترسی عینی به سیستم عدالت است.^۴ به همین منظور در بند ۱ از قسمت ط ماده ۲۱۱ قانون پنج‌ساله پنجم توسعه نیز آمده است که نوسازی و توسعه فضاهای فیزیکی قوه قضائیه و سازمان‌های تابعه در راستای توسعه دسترسی جامعه به عدالت قضائی تلقی می‌گردد. بند ۱ و ۱۲ از سیاست‌های کلی قضایی نیز با ملاحظه تشکیلات قضایی و لزوم اصلاح ساختار آن به منظور دسترسی به نظام عدالت، تکلیف دیگری را مقرر داشته‌اند. بند ک و ع از سند

^۱ 5. Due Notice and Right to be heard. 5.7): The Parties Maybe Agreement and With Approval of The Court, Employ expedited means of communications, such as telecommunication

^۲ ماده ۱ از قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا نیز سه اصل تحقق عدالت، اصل سرعت و اصل ارزان بودن دادرسی را جزء اهداف خود بیان می‌نماید.

^۳ **Rule 1 – Scope and Purpose.** These rules govern procedure in all civil actions They should be construed and administered to secure the *just, speedy* and *inexpensive*.....

^۴ تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در خصوص ضوابط ملی آمایش سرزمین، مندرج در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان گذری بر روند تدوین برنامه آمایش سرزمین، به شماره مسلسل ۱۲۵۴۹ و به تاریخ نشر ۱۳۹۱/۰۶/۱۹.

راهبرد و اهداف برنامه پنج‌ساله قوه قضائیه (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) نیز به ترتیب، بهبود ساختار قضایی و بهینه‌سازی ابنیه و تجهیزات دستگاه قضایی را از زمره راهبردهای آتی سیستم عدالت در نظر گرفته‌اند.

در حقوق فرانسه و در مجموعه مقررات سازمان قضایی^۱ این کشور که به توزیع عملکرد و کارکرد بین دادگاه‌ها توجه دارد، با تشکیل کمیسیون اصلاح دسترسی به قواعد و سیستم عدالت^۲ اقدام به ارائه پیشنهادهایی در خصوص بازنگری در سیستم معاضدت قضایی، بازنگری در ساختار دادگاه‌ها و ترویج شیوه‌های جایگزین حل اختلاف می‌نماید. در سال ۲۰۰۲ نیز تغییرات دیگری در آیین دادرسی مدنی فرانسه پیش آمد و به منظور کفایت پذیری عملکرد دادگاه‌ها، نقشه قضایی فرانسه^۳ مورد پیش‌بینی قرار گرفت (Steiner, op.cit:277). عقلانی نمودن توزیع جغرافیایی دادگاه‌ها^۴ و توزیع متعادل^۵ عملکردها به منظور کنترل تراکم پرونده‌ها، برون‌سپاری دادرسی، تخصیص ثانویه در پیش‌بینی آیین دادرسی‌های اختصاصی^۶ و توسعه در عرض دادگستری^۷ به منظور توسعه شیوه‌های جایگزین حل اختلاف؛ از مختصات نقشه قضایی فرانسه در جهت دستیابی آسان به سیستم عدالت مدنی و افزایش کارآمدی آن است. اصل تمرکززدایی قضایی^۷

^۱ بند ۲ از قسمت ز ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه نیز، با همین تفکر، در مقام تشکیل دادگاه‌های اداری در هر استان برآمده است. رویکردی که بر ابتنای آمایش جغرافیای قضایی، مطابق نیازسنجی به عمل آمده، است. مفاد این بند مقرر می‌دارد که «از محل منابع و امکانات موجود نسبت به ایجاد دفاتر نمایندگی استانی دیوان عدالت اداری در محل دادگستری استان‌ها اقدام می‌شود». شاید بتوان دادگاه‌های سیار (emergency/temporary court) را نیز در راستای اصل دسترسی عینی به سیستم عدالت مدنی توجیه نمود. دستورالعمل نحوه تشکیل و راه‌اندازی دادگاه‌های سیار (۱۳۸۷/۰۵/۲۲ به شماره ۱۸۴۹۲ روزنامه رسمی) به تبع قانون منسوخ تشکیل دادگاه‌های سیار (۱۳۶۶/۰۶/۰۱)، به منظور دسترسی عینی شهروندانی که از مرکز حوزه‌های قضایی دور بودند، مورد تصویب قرار گرفته است. در ماده ۱ از دستورالعمل یاد شده آمده است که به منظور خدمت‌رسانی بیشتر، امکان دسترسی آسان به خدمات قضایی، گسترش عدالت، احیاء حقوق عمومی و همچنین ارتقای کیفیت و سرعت در دادرسی، دستورالعمل نحوه ... به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید؛ بنابراین الگوهای از قبیل دادگاه‌های موقتی (سیار) و احاله (موضوع ماده ۱۹ از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹) را می‌توان از جمله خط‌مشی‌های ثانویه در جریان آمایش قضایی در نظر گرفت. لکن سخن اصلی، تمرکز بر تخصیص اولیه جغرافیای قضایی است.

^۲ Code de l'organisation judiciaire(COJ)

^۳ Commission de réforme de l'accès au droit et à la justice

^۴ Carte Judiciaire = Judicial Map

^۵ Rationalizing The Geographical Distribution of Court

^۶ Balanced Distribution

^۷ Transferred Allocation of Particular Procedures to Special Clerk

برآمده از نظام آمایش قضایی است. به همین دلیل است که مفاد مواد ۴۲، ۴۳، ۴۴ و ۴۶ از کد سازمان قضاوتی فرانسه، از طریق نظام صلاحیت‌ها، به دنبال آمایش منابع سیستم عدالت مدنی هستند. به قول پروفیسور استاینر، قانون‌گذار فرانسه با پیش‌بینی مواد اخیر به فکر تقسیم عادلانه، کارآمد و در دسترس منابع عینی دستگاه قضایی است (Steiner, op.cit.:282).

بنابراین آمایش قضایی، از طریق پیش‌بینی نقشه جامع قضایی، در تقسیم پرونده‌های ورودی و کنترل مدیریت کمی و کیفی آن‌ها نقش اساسی ایفاء می‌نماید.^۱ بدیهی است که یکی از جلوه‌های آمایش قضایی در میزان و تعداد نهادهای قضایی، شبه قضایی و اداری و همچنین شیوه جایابی آن‌ها در سراسر کشور است (Chappe, 2012:32).

۴.۲. دسترسی اعتباری به سیستم عدالت

دسترسی اعتباری به سیستم عدالت مدنی دارای دو مفهوم سلبی و ایجابی است. مفهوم سلبی دسترسی اعتباری مشعر بر عدم ایجاد مانع در دسترسی به منابع سیستم قضایی است.^۲ لکن مفهوم ایجابی دربرگیرنده توسعه عمق دادگستری و توسعه در عرض دادگستری استدلالت می‌شود (Sunstein, 2012:2). توسعه در عمق دادگستری شامل توسعه خدمات حقوقی - قضایی، ایجاد نهادهای قضایی مکمل، اختصاصی و تخصصی بر مبنای دانش قضایی است. لکن توسعه در عرض دادگستری، مشخصاً، پیش‌بینی و ترویج شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، به عنوان نهادهای خصوصی حل اختلاف، است. سه اصل در توسعه درون‌سازمانی دادگستری مورد توجه است. اصل تناسب، اصل تعادل در توزیع منابع انسانی و

^۱ The Principle of Decentralization of Justice

^۲ به نظر می‌رسد که شیوه طراحی و معماری دادگستری را باید از ظرایف مکتب اقتصاد حقوق، در مقام توجه به ابنیه‌های سازمان قضایی، دانست. در واقع، معماری دادگستری، نوع خاص از معماری است که فضای درونی و بیرونی آن بایستی پاسخی هم‌آهنگ به نیازهای روحی اصحاب دعوا و مدیران قضایی اعطاء نماید. مختصات معماری دادگستری باید مشحون از کارایی، ایستایی و الگوهای زیباشناسانه باشد. پیرو همین عناصر، ایجاد احساس امنیت از یک‌سو و نمایش قامت بناهای دادگستری با اندیشه انتقال ابهت و استواری سیستم عدالت به ناقضان حقوق از سوی دیگر، نقشی والا تر از یک سازه ساختمانی ارائه می‌دهد. همچنین است رویکرد توریست محوری در معماری قضایی که باعث طرح ایده‌هایی همچون توریست قضایی گردیده و انعکاس سمبل‌ها و نمادهای عدالت تلقی می‌گردد. مع‌الاسف عدم توجه به معماری قضایی و ایضاً استیجاری بودن بسیاری از مجتمع‌های قضایی، نه تنها دادگستری را از کارکردهای دیگر غافل گذاشته، بلکه تهی از فضای روحی تأثیرگذار نیز هست.

اصل رعایت تخصص. از سوی دیگر باید به اصل تمرکززدایی منطقی نظام دادرسی بر مبنای آورده شیوه‌های حل اختلاف خصوصی، تکیه داشت که به موازات دادرسی‌های ترافعی، شکل گرفته‌اند.

۴.۲.۱. دسترسی به خدمات قضایی: دسترسی به خدمات قضایی را می‌بایست در دو حوزه توسعه کمی و کیفی مطمح نظر قرار داد. توسعه کمی خدمات قضایی راجع به استقرار کلینیک‌های حقوقی؛ موسسه‌های حقوقی^۲ و نهادهای مکمل^۳ (شبه قضایی) است؛ حال آنکه توسعه کیفی دادرسی در گرو تناسب و تعادل بین عرضه خدمات و تقاضای آن از یک طرف و تحقق اصل تخصص و رتبه‌بندی در میان دادرس(ان) و همکاران قضایی (اعم از وکلای و کارشناسان دادگستری) است. البته این واقعیت نیز پابرجاست که تخصص‌گرایی در رسیدگی‌ها موجب ایجاد بازار

^۱ در اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مفهوم سلبی توجه شده است. به موجب اصل ۳۴: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

^۲ Legal Clinic Models

عبارت کلینیک حقوقی برای نخستین بار در سال ۱۹۱۰ طرح و ساختار آن در مدرسه حقوق شیکاگو راه‌اندازی شد. کلینیک حقوقی به موازات آموزش تئوریک در دانشکده‌های حقوق، ابعاد عملی آن را به دانشجویان حقوق آموزش می‌دادند؛ بنابراین آموزش مهارت محور همسو با آموزش مطالعه محور باعث افزایش کارایی نظام آموزش و تربیت حقوقی می‌گردد. مدیریت حل اختلاف، مهارت مذاکره دادرسی، مهارت مشاوره‌ای، مهارت‌های فن بیان حقوق، مهارت بداهه‌گرایی در تحلیل‌های حقوقی، مهارت دفاع شفاهی، مهارت در تنظیم اوراق و لوایح حقوقی و اموری از این دست را می‌توان در زمره نوآوری‌های کلینیک‌های حقوقی نام برد. امروزه کلینیک‌های حقوقی، به عنوان نهادهای واسط، نه تنها فاصله دانشکده‌های حقوق و دادگاه‌ها را کم نموده‌اند، بلکه با ایجاد انجمن‌های معاضدت حقوقی (legal aid societies) - به طور داوطلبانه - اقدام به ارائه مشاوره‌های حقوقی نسبت به مخاطبان می‌نمایند؛ بنابراین کلینیک‌های حقوقی دارای ویژگی‌هایی از قبیل کاربردی بودن، تخصصی بودن و رایگان بودن، هستند و عنصری پویا در افزایش بصیرت حقوقی افراد جامعه در دسترسی به عدالت به حساب می‌آیند. (در این زمینه ببینید: Wilson J, Richard, "Training for Justice: The Global Reach of Clinical Legal Education", Penn State International Law Review, Vol. 22, No. 421, 2004, p. 201 & Joy, A, Peter, "The Cost of Clinical Legal Education", Boston College Journal of Law & Social Science, Vol. 32, 2012, p. 309). لازم به ذکر است تنها دانشگاهی که در ایران و در زمینه حقوق خانواده اقدام به تأسیس کلینیک حقوقی نموده است، دانشگاه مفید قم است. به نظر، تأکید قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه به رتبه‌بندی دانشگاه‌ها (بند و ماده ۱۵)، افزایش مطالعات میان‌رشته‌ای، لزوم توجه به نظریه‌پردازی و مهم‌تر از همه، تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان دانشگاهی (تبصره ۴ ماده ۱۷) می‌تواند بستری برای ترویج شرکت‌های دانش‌بنیان حقوقی نیز تلقی گردد. بند ۱۱ از راهبرد کلان ۳ از نقشه جامع علمی کشور نیز بر خط‌مشی اخیر تأکید می‌نماید.

^۳ Law Firms

^۴ Quasi - Judicial Institutes

رقابت گردیده و حد دسترسی به آراء کارآمد را فزونی می‌بخشد.

همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، اصل تناسب^۱ به دنبال ایجاد توازن بین وکیل - موکل و قاضی - پرونده است تا از این طریق توازن بین نیاز به خدمات حقوقی - قضایی و عرضه خدمات، برقرار باشد (Craig, 2010: 265). فقدان تناسب، یکی از عوامل کندی گام‌های عدالت در احقاق حق استنتاج گردیده و دلیلی شایسته بر افزایش فراوانی پرونده‌ها است.^۲ در همین راستا تبصره بند ب از ماده ۲۱۱ قانون پنج‌ساله پنجم توسعه نیز صراحتاً مقرر می‌دارد که قوه قضائیه به منظور ساماندهی نیازهای خود اختیار جذب قضات سالانه تا ۸۰۰ نفر را دارد. در پیش‌نویس لایحه قانون وکالت دادگستری^۳ نیز طی مواد ۳، ۱۱، ۱۶، ۳۷ و ۴۵، نه تنها به کمیت وکلا در توازن خدمات حقوقی اشاره رفته است، بلکه در قالب تأسیس‌هایی همچون وکیل دستیار؛ شرکت مدنی حرفه‌ای وکلا؛ تخصصی نمودن حرفه وکالت به عنوان یکی از تکالیف شورای کشوری کانون‌ها^۴ و استقرار مراکز موسوم به مراکز منطقه‌ای آموزش حرفه‌ای وکالت^۵، به نیازسنجی حقوقی - قضایی پرداخته شده

^۱ از جمله مراکز مشاوره حقوقی را که توسط قوه قضائیه راه‌اندازی شده است، می‌توان مرکز ۱۲۹ نام برد. در این مرکز، تعدادی از کارشناسان حقوقی، با ارائه بسته‌های حقوقی (مندرج در قسمت بانک سؤالات) و یا با ارائه مشاوره حقوقی تلفنی به تماس گیرندگان، اقدام به ارائه مشاوره حقوقی مستمر می‌نمایند: <http://www.moshaver129.ir> در این مرکز امکان مشاوره حقوقی الکترونیکی میسر است.

^۲ Proportionality Principle

^۳ در همین راستا ماده ۱۳۳ از لایحه آیین دادرسی تجاری، قوه قضائیه را مکلف نموده است تا با اتخاذ تدابیری باید تلاش نماید تا تعداد پرونده‌های جاری در هر شعبه از صد پرونده فراتر نرود. فلذا یکی از راهکارهای دسترسی اعتباری و کیفی به دادگستری می‌تواند، کنترل در ورودی پرونده‌ها، تعیین سقف در کمیت پرونده‌ها و در نتیجه، افزایش کارایی و کیفیت محتوایی آراء صادره باشد.

^۴ متن پیش‌نویس لایحه قانون وکالت دادگستری به همت کمیسیون تدوین قوانین کانون وکلای دادگستری مرکز و با در نظر داشتن قانون وکالت دادگستری فرانسه مورد مطالعه و تدوین قرار گرفته است. این متن بر طبق ماده ۱۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، بعد از مراحل نگارش مقدمه توجیهی، از ۱۰۰ ماده به ۱۹۳ ماده تبدیل و به تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۰ به شماره چاپ ۵۳ و شماره ثبت ۴۹ و به صورت طرح یک شوری، به کمیسیون حقوقی و قضایی ارجاع گردید. جهت دسترسی به متن پیش‌نویس به سایت روبرو مراجعه گردد: <http://www.icbar.ir>

^۵ به استناد ماده ۳ از پیش‌نویس، وکیل دستیار به موکل خود کمک می‌کند ولی نمایندگی از او را بر عهده نمی‌گیرد.

^۶ وفق مادتين ۱۱ و ۲۱ از متن پیش‌نویس، شرکت مدنی حرفه‌ای وکلا، غیر از مؤسسات حقوقی بوده و جزء نوآوری‌های قانون وکالت کشور فرانسه است که در متن پیش‌نویس از آن الهام گرفته شده است.

^۷ مستفاد از ماده ۳۷ متن پیش‌نویس، شورای کشوری کانون‌ها (conseil national des barreaux) دارای وظایف متعددی از جمله بازآموزی مستمر وکلای، تعیین تخصص‌های حرفه‌ای وکلا و جز آن است.

است تا محملی برای برقراری تناسب یاد شده باشد.^۱ تخصصی شدن رسیدگی‌ها^۲ نیز نه تنها باعث کارآمدی سیستم عدالت می‌گردد، بلکه استحکام آرای صادره نیز افزایش یافته و فضای رقابت علمی بین قضات شکل می‌گیرد.^۳ از جمله سیاست‌های تشویقی سیستم قضایی که قائم بر برپایی اصل تخصصی شدن قضاوت است را می‌توان پیش‌بینی جشنواره رأی برتر و برگزاری دوره‌های حضوری قضات^۴ نام برد.^۵ طرح جشنواره رأی برتر سبب ایجاد رقابت علمی بین دادرسان، ارتقای سطح کیفی آرای صادره و امکان دسترسی به آرای الگو در زمینه‌های گوناگون حقوقی می‌گردد.^۶ از جمله معیارهای رأی شاخص، عبارت از مستدل بودن، مستند بودن، کارآمدی، رفع اختلاف واقعی، تکریم اصحاب دعوا در دادنامه و جز آن ذکر شده است.^۷

^۱ مراکز منطقه‌ای آموزش حرفه‌ای وکالت، نهادهای وابسته به کانون‌های محلی خواهند بود که به تربیت کارآموزان خواهند پرداخت. از جمله اختیارات این مراکز را می‌توان صدور گواهی شایستگی اشتغال به حرفه وکالت، برگزاری آزمون‌ها و صدور گواهی تخصص‌های حرفه‌ای وکالت و اموری از این دست است. ملاحظه می‌شود که نوعی برون‌سپاری در ساماندهی به صنف وکالت در عین اشتغال‌زایی و کارآفرینی مشاهده می‌شود.

^۲ لازم به ذکر است که قوه قضائیه نیز طی لایحه قانون جامع وکالت دادگستری، اقدامی موازی با کانون وکلای دادگستری انجام داده است. فارغ از ایرادهای اساسی به حذفی‌گری و موازی کاری، مواد ۲۰، ۴۹ و ۵۲ از این لایحه نیز در مقام درجه بندی وکلا، تخصص‌گرایی و مباحثی مشابه است.

^۳ در بند ۴ از قسمت ب سند راهبرد و اهداف برنامه پنج‌ساله قوه قضائیه (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) به ارتقای وضعیت دادرسی از طریق تخصصی کردن رسیدگی‌ها، روزآمدسازی تشکیلات قضایی و توانمندسازی منابع انسانی (در قسمت ن) اشاره رفته است. بند ۴ از سیاست‌های کلی قضایی، ابلاغ شده از سوی رهبر معظم نیز به تخصصی شدن رسیدگی‌ها توجه و تأکید دارد.

^۴ پروفیسور لوئیس کورنهایزر در مقاله سازمان و مدیریت قضایی، محیط دادرسی را دارای رگه‌هایی از بازار رقابتی (competitive market) می‌داند و حتی این بازار را به بازار رقابتی دولتی و خصوصی تقسیم نموده و از داوران یا سازشگران به عنوان قضات خصوصی (private judges) یاد می‌کند. ببینید:

Kornhauser, A. Lewis, "Judicial Organization and Administration", New York University, Law Magazine Review, 7100, 201, p. 27

^۵ طرح برگزاری دوره‌های حضوری قضات از دیگر برنامه‌های معاونت آموزش قوه قضائیه در ایران است که طی آن اساتیدی از تهران به شهرستان‌ها اعزام می‌شوند تا به مسائل قضایی و مبتلابه قضات پاسخ دهند.

^۶ see: <http://maavanews.ir/tabid/38/ctl/Edit/mid/384/Code/8379/Default.aspx>

^۷ جشنواره رأی برتر در سال ۱۳۸۵ به تصویب رئیس وقت قوه قضائیه رسید و از سال ۱۳۸۶ اولین دوره آن برگزار و از قضاتی که رأی آن‌ها، شاخص ارزیابی گردد تقدیر می‌شود. چهارمین دوره جشنواره در سال ۱۳۸۹ برگزار گردید و تا کنون دو مجلد از این آرا با عنوان کتاب منتخب آرا توسط معاونت آموزش قوه قضائیه چاپ گردیده است. نگارنده بر آن است که یکی دیگر از راهکارهای افزایش کارایی نظام قضایی را می‌توان، جدا از ایجاد فضای رقابت بین دادرسان

از جمله مصادیق شایسته در مسیر نگرش تخصصی به قضاوت را در حقوق داخلی می‌توان نهادهای مکملی همچون دفاتر پیشخوان قضایی^۱ و شوراهای حل اختلاف نام برد. دفاتر پیشخوان قضایی در ایران را، به جرأت، می‌توان از نتایج مکتب تحلیل اقتصادی حقوق دادرسی ارزیابی نمود. در مقدمه توجیهی طرح تأسیس دفاتر پیشخوان قضایی آمده است که به منظور افزایش کارآمدی نظام قضایی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های بخش خصوصی و همچنین کنترل فراوانی پرونده‌های ورودی، دفاتر پیشخوان قضائی به طور خصوصی به قضاوت خواهند پرداخت. صلاحیت رسیدگی این دفاتر در سه گروه و طی ماده‌های ۹، ۱۴ و پیش‌بینی شده است. قانون‌گذار ایران - در صورت تصویب نهایی طرح مزبور -

(ان)، ایجاد فضای رقابت بین نهادهای قضایی، از طریق رتبه‌بندی و اعتبار سنجی استنباط نمود؛ بنابراین همان‌گونه که شرکت‌های بیمه (وفق ماده ۱۱۴ از قانون برنامه پنجم) یا بانک‌ها و مشتریان آن‌ها (طبق ماده ۹۱ قانون برنامه پنجم) بر مبنای حجم گردش مالی، نوع و گستره خدمات، رضایتمندی مخاطبان و جز آن رتبه‌بندی می‌شوند، نهادهای قضایی نیز بر مبنای عناصر تعریف‌شده‌ای، رتبه‌بندی شده و به نحو مقتضی معرفی گردند. به نظر می‌رسد بتوان از دادگستری استاندارد یا ایزو (Iso Justice) سخن به میان آورد. لذا، همان‌طور که بنا به کیفیت کالا، بدان استاندارد ایزو ارائه می‌شود، نهادهای خدماتی از قبیل نهادهای قضایی را نیز می‌توان، بنا به کیفیت ارائه خدمات، در زمره استانداردهای از قبل تعریف شده، قرار داد. به نظر می‌رسد مفاد بند ۴ از ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه را می‌توان محملی قانونی برای ایده اخیر دانست. به موجب بند فوق التوصیف، قوه قضائیه مکلف است تمهیدات لازم را به منظور ارتقاء سطح استفاده از ظرفیت‌های وزارت دادگستری فراهم آورد. انتشار آراء قضایی صادره و دسترسی افراد بدان‌ها نیز مورد تأکید مکتب تحلیل اقتصادی نظام دادرسی است. در همین راستا قسمت ۴ از بند ۴ ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم و ماده ۸۹ از لایحه آیین دادرسی تجاری، به لزوم انتشار آراء صادره، از طریق، سامانه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیکی قوه قضائیه تأکید دارند.

^۱ نگارنده بر این اندیشه ریچارد پاسنر اصرار دارد که رأی دادگاه علاوه بر کارکرد خصوصی، بایستی کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. کارکرد اجتماعی رأی باید از ویژگی کارآمدی و توانایی حل اختلاف، به منظور تنظیم بازار مراعات و توسعه‌گرایی برخوردار باشد:

Posner, Richard A. (1973), "An Economic Approach to Legal Procedure and Judicial Administration", 2 Journal of Legal Studies, p.421
^۲ طرح تأسیس دفاتر پیشخوان قضائی در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۱۶ (به شماره چاپ ۲۸۶ و شماره ثبت ۱۷۱) در ۱۲ ماده و به صورت طرح یک شوری به کمیسیون قضائی و حقوقی ارجاع شده است.

^۳ ماده ۵: صلاحیت هر دفتر به سه گروه تقسیم می‌شود. گروه یک (صلاحیت رسیدگی به الف - طلاق‌های توافقی ب - مطالبه مهریه ج - تأمین دلیل - دعاوی مالی مربوط به اموال منقول تا پانصد میلیون ت - کلیه دعاوی مربوط به تخلیه اماکن مسکونی استیجاری ج - صدور گواهی حصر وراثت ج - افزایش و تفکیک ح - صدور قرار تأمین خواسته خ - استرداد جهیزیه

^۴ ماده ۹: صلاحیت گروه دوم: الف - کلیه حوادث ناشی از بی‌احتیاطی در امر رانندگی و حوادث ناشی از کار که دارای بیمه‌نامه معتبر می‌باشند. ب - نگهداری تجهیزات دریافت ماهواره

برای نخستین بار و با منطق اقتصاد حقوق، به سان مقنن کشور انگلستان؛ اقدام به طبقه‌بندی دعاوی نموده و از این رهگذر، دعاوی کوچک را، به لحاظ ارزش و اهمیت، - به نوعی - برون‌سپاری کرده و به بخش قضاوت خصوصی واگذار کرده است.

۴.۲.۲. دسترسی به خدمات قضایی جایگزین: در نظریه آیینی^۲ که دارای ماهیت هنجاری بوده و به قواعد دادرسی کارآمد^۳ اصرار دارد، بحث گذر از سیستم دادرسی مبتنی بر قواعد حقوقی^۴ به سمت وسوی سیستم مبتنی بر قواعد توافقی^۵ است (Solum, 2008: 346 & Bone, 2009: 346). توجه آن نیز بر این اندیشه استوار است که شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، الگویی نوین و کارآمد در مدیریت سیستم عدالت مدنی^۶ به حساب می‌آید (Main, 2005: 329). امانوئل ژولان و فریدمن در کتاب «مدیریت نوین دادگستری و استقلال قضاوت» (Jeuland, 2011: 32)، شیوه‌های جایگزین را به لحاظ ماهیت انتخابی، دارای آیین دادرسی منعطف ارزیابی می‌نمایند. رابرت فیشر نیز در مقاله «مدیریت سازشی در دادگاهها» (Fischman, 2010, 154)، هنر قواعد دادرسی را در پیش‌بینی الگوهای انتخاب عقلانی^۷ بر مبنای نظریه انتخاب می‌داند. هم او یکی از کارکردهای بیرونی شیوه‌های جایگزین حل اختلاف را تخصیص منصفانه دعاوی^۸ و کنترل طرح دعاوی آتی^۹ معرفی می‌نماید.

^۱ ماده ۱۰: صلاحیت گروه سوم: الف - کلیه دعاوی که طرفین قبل از طرح دعوی، ارجاع به داوری و قاضی تحکیم را مرجع رسیدگی طرح دعوی احتمالی خود در نظر گرفته‌اند. ب - کلیه دعاوی که در بنگاه‌های معاملاتی مسکن و اتومبیل دارای کد رهگیری به وجود می‌آید.

^۲ قانون‌گذار انگلستان در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۹۹۸، دعاوی را در سه گروه دعاوی کوچک، دعاوی سریع و دعاوی پیچیده قرار داده است. ملاک دعاوی کوچک (the small claims) از ۵ هزار پوند به ۱۵ هزار پوند از ۲۹ مارس ۲۰۱۱ به بعد تغییر یافت. دعاوی سریع (متوسط) (the fast - track claims) تا مبلغ ۲۵ هزار پوند را دربر گرفت و دعاوی پیچیده (the multy - track) نیز در دادگاه‌های اختصاصی رسیدگی می‌شوند. جالب اینکه در تخصیص پرونده‌ها به دادگاه‌ها از نظر طرفین نیز در قالب پرسشنامه تخصیص (allocation questionnaire) استفاده می‌شود. CPR. 26.8(1)

^۳ Procedural Theory

^۴ Effective Rulemaking

^۵ Rule - Based System

^۶ Consensus - Based Rulemaking

^۷ The Administration of Civil Justice

^۸ Rational Choice Models

^۹ Fair Allocations of Claims

شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، سیستم دادرسی همزاد^۲ با دادرسی‌های رسمی است. این شیوه‌ها به بازتوزیع ثروت جامعه^۳ از طریق فرآیند مدیریت حل اختلاف^۴ و بازدهی در برآیند آن؛ می‌پردازند. اصلاح رفتار دادرسی بازیگران، درونی کردن هزینه‌های دادرسی، اشتغال‌زایی و کارآفرینی حقوقی در کنار توسعه عدالت فردی^۵ را می‌توان از نتایج کاربست شیوه‌های جایگزین حل اختلاف یاد کرد.^۶

شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، چه به صورت موردی یا سازمانی، چه به صورت اختیاری یا اجباری و چه به صورت محض یا ترکیبی، موجب توسعه سیستم عدالت مدنی و تحقق دموکراسی آیینی می‌شود.^۷ شیوه‌هایی که دسترسی به الگوهای گوناگون حل اختلاف را میسر نموده و به اعتبار اراده بازیگران دادرسی، اقدام به پیش‌بینی و اعمال آیین‌های دادرسی توافقی و نهایتاً دادرسی‌های قراردادی می‌نماید (حبیبی درگاه، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

^۱ Control of Future Cases

^۲ فیسمن معتقد است که عدالت آیینی موجب تضمین عدالت ماهوی است. وی بر مبنای ضرب‌المثل حقوقی در ادبیات انگلستان، اعتقاد دارد که عدالت نه تنها آن چیزی است که اجرا می‌گردد، بلکه اجرای آن منوط به دیده شدن و شناسایی عدالت است (= justice not only has to be done, but also has to be seen to have been done). از همین رو، شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، موجبی عقلایی و قابل اتکا در شناسایی عدالت و تمیز سره از ناسره به شمار می‌رود.

^۳ - Dual System

برخی از دادرسی‌دانان، سیستم راجع به شیوه‌های حل اختلاف را رقیب دادرسی رسمی (دولتی) دانسته و از سیستم رقابتی (rival system) سخن رانده‌اند. (main, thomas, op. cit, p.331). لکن به نظر می‌رسد چنانچه مراد از عبارت "رقابت"، تقابل دو سیستم یاد شده باشد، استدلال به عمل آمده، یارای تبیین سیستم‌های دادرسی را ندارد؛ اما اگر منظور، همزاد پنداری دادرسی‌های رسمی و جایگزین با یکدیگر به منظور احصاء امتیازهای شیوه‌های غیررسمی اختلاف باشد، عبارت بکار رفته، موجه است.

^۴ Redistribution of Wealth

^۵ Efficient Outcome of The Trial

^۶ Efficient Process of The Trial

^۷ Individual Justice

^۸ پروفیسور برونو در مقاله "فن حقوق و اقتصاد کلان"، پیش‌بینی شیوه‌های جایگزین حل اختلاف را منطبق ساختاری و محتوایی در توسعه سیستم‌های عدالت ارزیابی می‌نماید. Salama Meyerhof, Bruno, "The Art of Law & Macroeconomics", University of Pittsburgh Law Review, Vol. 74, 2012, p. 284

۵. برآمد

اصل دسترسی به دادگستری و عدالت از اصول بنیادین و راهبردی در نظریه عمومی دادرسی مدنی به حساب می‌آید. این اصل را باید اصل الاصول حقوق دادرسی مدنی استنتاج نمود که اصول دیگری نظیر اصل مشارکت بازیگران دادرسی، اصل بازی دادرسی همکارانه و جز آن ریشه در اصل اخیر دارند.

تلاش برای شناسایی مفهوم اصل دسترسی و گذر از گزاره‌های هست - انگار به تدبیرهای باید - انگار محل توجه بوده است؛ بنابراین رویکرد دستوری و کارکردی، با ملاحظه ادبیات تحلیل اقتصادی حقوق، نه تنها دسترسی عینی و دسترسی اعتباری را لازمه دموکراسی قضایی و آیینی می‌داند و نه تنها موجب ایجاد تعادل بین عرضه منابع و امکانات قضایی و تقاضای خدمات قضایی می‌شود، بلکه شاخصی برای کنترل نظام سلامت اداری و نمودی برای سنجش انگاره‌های حقوق بشر در فرآیند دادرسی است.

اصل دسترسی به دادگستری و عدالت، نوعی مبنا نگاری برای طراحی نظریه عمومی دادرسی مدنی ایران محسوب می‌گردد. چه اینکه پیش‌بینی نهادهای خصوصی حل اختلاف، طراحی آیین‌های دادرسی، به فراخور ماهیت و نوع دعاوی، به جای آیین دادرسی عام و ناکارآمد، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات دادرسی با توجه به قوانین موجود و به منظور شفاف‌سازی تقنینی، افزایش حد عقلانیت و مدیریت دادرسی و جز آن، جملگی، نیازمند توجه به مبانی و کارکردهای قابل توجه اصل اخیر است.

منابع

الف. فارسی

حبیبی درگاه، بهنام، حبیبی درگاه، شهرام، واکاوی نظریه بازی‌های دادرسی مدنی با تأکید بر بازی دادرسی همکارانه، مجله فقه و حقوق، دانشگاه تبریز، دوره ۶،

شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

رضایی، علی، مسئله هزینه‌ها در داوری‌های تجاری بین‌المللی، مجله مطالعات حقوقی

شیراز، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵

ب. انگلیسی

Andrews, Neil, "Principles of Civil Procedure", London, Maxwell & Sweet, 1994

B. Loveday, 'Address to EGPA Conference, Cape Sounion, Greece', in M. Fabri et al. (eds.), "The Challenge of Change for Judicial Systems", 2000

Barendrecht, Maurits & Van

Nispen, Patricia, "Microjustice", 2007 at: www.microjustice.org

Bon, G Robert, "Making Effective Rules: The Need for Procedure Theory", Oklahoma Law Review, Vol. 61

Brand A, Ronald, "Access to Justice Analysis On a Due Process Platform", 2012, p. 3, at: http://ssrn.com/abstract=1984265

CEPEJ, "Access to Justice in Europe", 2011, report prepared by the research team on enforcement of court decisions, 8th meeting

Chappe, Nathalie & Obidzinski, Marie, "Number of Courts and Access to Justice", Université de France-Comté, CRESE, 2012

Craig, P., Paul, "Proportionality, Rationality and Review", New Zealand Law Review, 2010

Einar Himma, Kenneth, "Towards a Theory of Legitimate Access: Morality Legitimate Authority and The Right of Citizens to Access The Civil Justice System", Washington Law Review, Vol. 79, 2004

Fandl, J., Kevin, "The Role of Informal Legal Institutions In Economic Development", Fordham International Law Journal, Vol. 32, 2008

Ferrand, Frederique, "The French Approach to The Globalization and Harmonization of Civil Procedure" at: Kramer, X.E, op.cit, 2011

Fischman F, Robert & J B., Ruhl, "Adaptive Management in The Courts", Minnesota Law Review, Vol. 95, No. 2, 2010

Furedi, Frank & Bristow, Jennie, "The Social Cost of Litigation", center for policy studies, IMS Ltd, 2012

- Gramatikov, Martin, "Methodological Challenges in Measuring Cost and Quality of Access to Justice", 2007, p.2, at: <http://ssrn.com/abstract=1099392>
- Hanycz, M. Colleen, "More Access to Less Justice: Efficiency, Proportionality and Costs in Canadian Civil Justice Reform", CIVIL Justice Quarterly, Vol.27, 2008
- J.M. Barendrecht & M. de Langen, "Legal empowerment of the poor: Innovating access to justice", Washington D.C.: Brookings institution press, Innovative governance in the 21st century, 2008
- Jeffrey Selbin, JEANNE Charn, Anthony Alfieri & Stephen Wizner, "Service Delivery, Resource illocation, and Access to Justice", Thr Yale Law Journal Online, Vol.45, 2012
- Joy, A., Peter, "The Cost of Clinical Legal Education", Boston College Journal of Law & Social Science, Vol.32, 2012
- klaming, Laura, "Access to Justice: The Quality of The Procedure", 2008, p.2, at: <http://www.tilburguniversity.nl/faculties/law/research/cva/access>
- Kornhauser, A., Lewis, "Judicial Organization and Administration", New York University, Law Magazine Review, 7100, 2011
- Krishnan, Jayanth & Galanter, Mark, "Access to Justice and The Rights of The Needy in India", Hastings Law Journal, Vol.55
- M. Fabri, "Judicial Electronic Data Interchange in Europe: Applications, Policies and Trends", Management and Information Technology 2003
- Main O, Thomas, "ADR: The New Equity", University of Cincinnati Law Review, Vol.74, 2005
- Moorhead, Richard, "Improving Access to Justice", Civil Justice Council, Cardiff University, 2008
- Nichol, R. Gene, "Judicial Abdication and Equal Access to The Civil Justice System", 2009, at: www.kiplinger.com/business
- Pierre, Merlin, "L'aménagement du territoire," Paris, Presses universitaires de France, 2002
- Posner, Richard A. (1973), "An Economic Approach to Legal Procedure and Judicial Administration", 2 Journal of Legal Studies
- Rhee, Van, "The Law Delays: Essays on Undue Delay in Civil Litigation", Antwerp and Oxford, 2007
- Rubinston, Robert, "A Theory of Access to Justice", The Journal of The Legal Profession, Vol.29, 2004-2005
- Salama Meyerhof, Bruno, "The Art of Law & Macroeconomics", University of Pittsburgh Law Review, Vol.74, 2012
- Schultz, Thomas, "Theoretical Considerations About The Future

- of ODR",2003,p.3,at:<http://www.online-adr.org>
- Solum B, Lawrence, "Procedural Justice", op.cit, p.38. Bone G, Robert, "Making Effective Rules: The Need for Procedure Theory",
- Steiner, Eva, "French Law", Oxford University Press, 2010
- Storm, M, "The Reception and Transmission of Civil Procedural Law in The Global Society", Apeldoorn/Antwerp, 2008
- Sunstein R, Cass, "Behavioral Analysis of Law", Chicago Working Paper in Law & Economic, 2012
- Velicogna, Marco, "Justice Systems and ICT", Utrecht Law Review, 2007
- Wilson J, Richard, "Training for Justice: The Global Reach of Clinical Legal Education", Penn State International Law Review, Vol.22, No.421, 2004
- Woolf, Lord, "Access to Justice", Interim Report, London, Stationary Office, June 1995
- X.E, Kramer & C.H, Van Rhee, "Civil Litigation in a Globalizing World", Springer Pub, 2011

ج. فرانسوی

- Guy, Canivet, "Du principe d'efficience en droit judiciaire privé", Dalloz, Paris, 2000
- Jeuland, Emmanuel & Frydman, Benoit, "Le nouveau management de la justice et l'indépendance des juges", Dalloz, 2011
- la Commission européenne pour l'efficacité de la Justice (CEPEJ), "La Qualité des décisions de justice", 2007, p.15, Voir: www.coe.int/CCJE
- Rapport de la commission de réforme de l'accès au droit ET à la justice, at: <http://www.lawdocumentationfrancaise.fr/var/storage/rapports.pdf>.